

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آناتول لوین*
برگردان: ا. م. شبیری
۰۳ اکتوبر ۲۰۲۴

جنون جمعی



محافل سیاسی انگلیس به «جنون جمعی» مبتلا شده‌اند و جنگ با نه تنها روسیه را تحریک می‌کنند.

لوین در روزنامه آمریکائی «نیشن» می‌نویسد: دقیق‌ترین تعریف از هیأت حاکمه انگلیس مقایسه آن با لابرادول آمریکائی است (لابرادول آمریکائی- حاصل آمیزش لابرادور و پودل). و اگرچه این یک کلیشه قدیمی از «پودل آمریکائی» است، اما واقعیت را دیگر بدرستی منعکس نمی‌کند. پودل‌ها عموماً سگ‌های مطیع هستند (اگرچه به پارس کردن هیستریک در لحظات نامناسب تمایل خوبی دارند). از سوی دیگر لابرادورها موجوداتی پرنرژی و دیوانه هستند که می‌توانند صاحب خود را به نزدیکترین خارستان یا باتلاق بکشند. جاه‌طلبی لابرادول انگلیس بسیار بزرگتر است. زیرا، صاحب خود را آشکارا به سوی جنگ جهانی می‌کشاند.

علاقه‌مند امیدوار باشم که دولت بایدن دولت استارمر را همچنان از اجازه دادن به اوکراین برای شلیک راکت‌های انگلیس «سایه طوفان» به روسیه باز دارد. علاوه بر چراغ سبز امریکا (به دلیل وجود برخی قطعات و مجوزهای ساخت امریکا)، این امر همچنین مستلزم کمک به کثیف در زمینه شناسایی و شلیک به اهداف است. «سایه طوفان» به لطف پرواز در ارتفاع کم و توانائی مانورشان از دفاع هوائی فرار می‌کند. این امر به فناوری «ناوبری اصلاح‌شده نقشه کره زمین» نیاز دارد، که امریکا از آن برخوردار است، اما انگلستان نه.

چنین مشارکت فعال امریکا نه تنها در تأمین، بلکه در هدایت این راکت‌ها توضیح می‌دهد که چرا مسکو این را تحریک بسیار جدی تلقی می‌کند. اگر این روند مهار نشود، به غرب برای اقدامات بیشتر چراغ سبز نشان می‌دهد. و آن،

بی‌تردید، به جنگ بین غرب و روسیه منتج می‌شود. علاوه بر این، دقیقاً به این دلیل است که پوتین به غرب اجازه داد از «خطوط قرمز» زیادی عبور کند که اکنون به دلیل انتقام، تحت فشار شدید قرار گرفته است و خود لفاظی‌ها گزینه‌های چندان زیادی برای او باقی نمی‌گذارد:

اگر چنین تصمیمی اتخاذ گردد، معنای جز مشارکت مستقیم کشورهای ناتو، امریکا، کشورهای اروپایی در جنگ اوکراین نخواهد داشت... و اگر چنین باشد، پس با در نظر گرفتن تغییر ماهیت این درگیری، بر اساس تهدیداتی که برای ما ایجاد خواهد شد، تصمیمات مناسب اتخاذ خواهیم کرد».

او تأکید می‌کند: «این بدان معناست که کشورهای ناتو، امریکا و کشورهای اروپایی در حال جنگ با روسیه هستند». این ایده که روسیه با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی در اوکراین یا هر جای دیگر پاسخ بدهد، یک ادعای بی‌معنی و حاصل خیال‌پردازی شاهین‌های غربی و برخی از مفسران افراطی روسی است، که اکثریت قریب به اتفاق سازمان‌های کشور با نظرات آن‌ها موافق نیستند. بنابراین براحتی می‌توان آن را رد کرد.

در چرخه تشدید تنش متقابل، استفاده از تسلیحات هسته‌ای - چه تاکتیکی و چه ستراتیژیک - آخرین گام خواهد بود نه اولین گام. با این حال، اگر چنین چرخه‌ای با حملات راکتی شروع شود و در نهایت، به یک جنگ مستقیم تمام عیار بین روسیه و ناتو منجر خواهد شد، که اجتناب از آن تقریباً غیرممکن خواهد بود.

به عنوان واکنش سریع به چنین حملاتی، روسیه حداقل دو گزینه بسیار محتمل‌تر دارد. اولین مورد آن واکنش غیرمستقیم است: تأمین راکتی و اطلاعاتی حزب‌الله و حوثی توسط روسیه در چارچوب حملات آن‌ها به کشتی‌های غربی در بحیره سرخ (گزارش‌ها حاکی از آن است که روسیه هم اکنون در ازای تأمین پهپاد به ایران کمک‌های مناسبی ارائه می‌کند). با توجه به وضعیت کنونی خاورمیانه و فشار شدید دولت نتانیاهو برای وادار کردن امریکا به جنگ با ایران، آیا اکنون زمان مناسبی است که روسیه را برای دامن زدن به درگیری‌ها در منطقه سوق دهیم؟

پاسخ دوم روسیه می‌تواند حمله به اهداف خاص انگلیس و (فرانسه، اگر راکت‌های اسکالپ آن به خاک روسیه شلیک شود)، یعنی خرابکاری در زیرساخت‌های آن‌ها باشد. روسیه هم اکنون عملیات خرابکارانه را در اروپا آغاز کرده است. اما تاکنون -خلاف ادعای اطلاعات غربی- فقط در مقیاس کوچک و به نظر من بیشتر به عنوان نشان دادن توانایی‌های خود تا تلاش برای وارد کردن آسیب جدی می‌باشد.

ساقط کردن یک هواپیمای جنگی انگلیس در نزدیکی حریم هوایی روسیه «به صورت تصادفی»، یک گزینه دیگر است. همانطور که تقریباً در سال ۲۰۲۲ اتفاق افتاد و ممکن است دوباره اتفاق بیفتد. ممکن است روس‌ها این را یک پاسخ متناسب به حملات «سایه طوفان» تلقی کنند تا به طور خودکار به تشدید تنش توسط امریکا منجر نشود. این اقدام در دوره ریاست جمهوری هریس شاید مقدر نباشد. اما در زمان ترمپ کاملاً ممکن است. زیرا، طرفداران حملات راکتی انگلیس احتمالاً انتخابات ریاست جمهوری امریکا در ماه نومبر را فراموش کرده‌اند.

«مناظره» عمومی انگلیس در مورد این موضوع با درجه باورنکردنی از پوچی مشخص می‌شود - و این مطمئناً زمانی اجتناب‌ناپذیر است که دولت کارگر و اپوزیسیون محافظه‌کار با جنگ‌طلبان متحد شوند. «کارشناسان» بسیار محترم و شایسته، خطر تشدید تنش روسیه را «بیهوده» می‌خوانند. زیرا، پوتین «در حال حاضر زندگی جوامع غربی را تا آنجا که ممکن است خراب می‌کند». تحلیل‌گران ارشد نظامی و مقامات نظامی بازنشسته اعتقاد دارند که ارتش روسیه در عین حال، هم آنقدر ضعیف است که چند راکت دیگر به اوکراین اجازه می‌دهد آن را «شکست» دهد و هم آنقدر قوی است که اگر الان جلوی آن گرفته نشود، چند سال دیگر ممکن است وارد جنگ با انگلیس شود.

جنون جمعی افرادی را که وظیفه حرفه‌ای و دلیل وجودی آن‌ها عبارت است از ارائه تحلیل عینی در جهت منافع دولت و مردم انگلیس، چه چیزی توضیح می‌دهد؟ (البته به آن‌ها سخاوتمندانه نیز پرداخت می‌شود). دلایل متعددی وجود دارد که چرا انگلیس خود را در چنین موقعیت خطرناک رهبری در میان دولت‌ها و جوامع غربی قرار داده است. به نظر آن‌ها، این از تمایل موروثی و ریشه‌دار تشکیلات انگلیس برای ایفای نقش یک قدرت بزرگ ناشی می‌شود. اگرچه در نهایت، این بازی همیشه شکل نظامی به خود می‌گیرد تا دیپلماتیک. به گفته گرانٹ شاپس، وزیر دفاع سابق محافظه‌کار، «به جای این که منتظر تأیید رسمی امریکا باشیم، جناب استارمر هر آنچه را که رئیس جمهور زلنسکی نیاز دارد، باید همین امروز به فوریت ارائه دهد. اینگونه بود که ما به رهبر حامیان اوکراین در سطح جهانی تبدیل شدیم».

و این یک فاجعه است. زیرا، نقش انگلیس در کشورهای مشترک‌المنافع (که توسط طرفداران برگزیت به عنوان منبع برتری انگلیس با صدای بلند در صحنه جهانی اعلام می‌شود) و حضور دیپلماتیک نسبتاً قدرتمند در جنوب جهانی همه ویژگی‌های لازم را برای دستیابی به صلح در اوکراین به این کشور داده است. البته، بهترین راه و روش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز که از تحقیر غرب و تحریک بیشتر روسیه جلوگیری می‌کند و مسکو می‌تواند با آن موافق باشد، از سوی کشورهای پیشرو جنوب جهانی از طریق سازمان ملل پیشنهاد خواهد شد. هند، افریقای جنوبی و برزیل خواستار آتش‌بس از طریق راه‌حل صلح و سازش هستند که با اهداف حداکثری روسیه و غرب همخوانی ندارد. همانطور که در مسکو به من گفتند، با توجه به تلاش‌های به عمل آمده، روسیه سعی می‌کند نظر مساعد این کشورها را جلب کند. اگر انگلیس بیشتر شبیه یک قدرت بزرگ سیاسی رفتار می‌کرد تا یک قدرت نظامی، ممکن بود به چنین تلاش‌هایی کمک کند.

در عوض، این کشور با پیروی از امریکا، به مستعمرات سابق خود در مورد وظایف بین‌المللی خود موعظه می‌کند. همین کار را وقتی واشنگتن می‌کند، فقط باعث عصبانیت می‌شود نه آن گونه که اربابان سابق آن‌ها را در لندن تحقیر می‌کنند.

در مورد ایده‌های خود دولت جدید کارگر درباره صلح، تنها چیزهایی که تاکنون شنیده‌ایم، عبارت است از سخنان استارمر مبنی بر این که «روسیه می‌تواند فوراً همه چیز را متوقف کند» و بیانیه دیوید لمی، وزیر خارجه: «اکنون [پوتین] کاری که باید انجام دهد، این است که تجاوز را متوقف کند و از اوکراین خارج شود». شاید گفته هر دو صادقانه باشد، اما تا حد زیادی بی‌معنی است.

از قضا، تصمیم دایر بر اجازه دادن به اوکراین برای حمله به عمق خاک روسیه به عهده واشنگتن است، نه لندن. البته، نه تنها به این دلیل که پیروی از خط امریکا طی مدت طولانی دکترین تشکیلات انگلیس بوده، بلکه به این دلیل که به اطلاعات برای هدایت راکت برای هدف قرار دادن نیاز دارد. امیدواریم جو بایدن به خویشتنداری ادامه دهد. به دلیل غفلت دولت انگلیس در تأمین امنیت و رفاه مردمش، دولت امریکا نباید وظیفه خود را در قبال شهروندان امریکا فراموش کند.

برگرفته از: **ساوتسکایا راسیا** - سایت حزب کمونیست روسیه

۱۱ مهر - میزان ۱۴۰۳

* - آناتول لوین (Anatole LIVEN)، نویسنده، دانشمند علوم سیاسی